

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه- کابل

۱۰ می ۲۰۲۱



یونس نگاه

به کجا پناه بریم؟

دی شب وقتی خبر کشتار کودکان مکتب در دشت برچی را شنیدم، نیت کردم چیزی ننویسم. با خود گفتم از آه کشیدن چه سود وقتی آهت به شعله ای نجات بخش تبدیل نشود، از تسلیت گفتن چه سود وقتی دردی تسلی نیابد و میان درمندان همدلی خلق نشود و از نفرین گفتن چه سود وقتی نفرین آدم کشان را بدنام و منزوی نکند.

صبح با این احساس به کوچه رفتم که ملت مرده است. با خود می گفتم همین آدم های دور و برم، جسدهائی اند که نان می خورند و راه می روند، و هیچ انتخابی جز رنج کشیدن در بیچارگی و تحمل مرگ تدریجی ندارند. نخبگان و تحصیل کردگان مرده ترین هاینند. توان هیچ اقدامی را ندارند و به دهان های بلعنده ای تقلیل یافته اند که یگان وقت آه می کشند و تسلیت می گویند. مؤثرترین کارشان پیدا کردن نان، جویدن نان و گاه کردن نان است. وقتی برای پیدا کردن نان می تپند شاید به بازار کمک کنند، زمانی که نان را خریده و می جوند شاید به جیب کس دیگری پول بریزند و وقتی سرگین می کنند شاید برای نباتات کود بسازند. تحصیل کردگان و روشنفکران افغان غیر ازین چه کار می کنند؟

صبح به این می اندیشیدم که چرا تحصیل کردگان و نخبگان حزب نمی سازند، سازمان دهی بلد نیستند، اعتراض نمی کنند، میان مردم زندگی نمی کنند و درک درست از وضعیت وطن خود ندارند؟ چرا آنان فقط بلداند مقاله بنویسند، گپ بزنند و کتاب نشخوار کنند؟

به این نیز فکر می کردم که نشانه های زندگی کجاست و چه کسانی آخر سکان کار و پیکار را به دست خواهند گرفت؟ به جای رفتن به گورستان و تشییع جنازه به کوچه ها رفتم. در برگشت دوباره احساس زندگی می کنم. مردم دریای زندگی اند. همیشه جاری و مدام در حال تازه شدن! به مردم خود اتکاء کنیم. چشم به راه هیچ دست آسمانی و خارجی نباشیم. بیائید بیاموزیم که چگونه می شود این خلق را بسیج کنیم و چگونه می توان از آنان امید و پایداری قرض بگیریم.